

و کاری اداره می کنند.

گزارش: در یکی از روزنامه ها خواندیم که پرونده های شهرداری را از دسترس شما خارج کرده اند. این خبر صحت دارد؟ و اگر دارد علت آن چیست؟

اصغرزاده: در تمامی رفتارهای سیاسی - اجتماعی گروه های سیاسی و نهادی مدنی یا غیرمدنی مالایه های پنهانی هست که البته شاید ظاهر این رفتارها زیبایی هایی داشته باشد یا منظور خاصی را جلوه دهد، اما لایه های پنهان آن موارد دیگری را به پیش نما می آورد. کاری که این روزنامه با ظرافت انجام داده بود در حقیقت بیان اراده ای بود که برخی دوستان ما در شورای شهر دارند و علاقمند بودند آن را از طریق این مصوبه عملی کنند من نماینده شورای شهر در کمیسیون معاملات بالای صدمیلیون تومان بودم که مربوط به املاکی می شود که به صورت طبیعی قشر مرفه جامعه شهری با آن سر و کار دارد. یعنی زمین دارهای شهری، یا افرادی که به هر حال دارای زمین های گسترده شهری هستند و یا افراد بسیار باهوش و زرنگی که می توانستند بروند املاک مسأله دار را پیدا کنند و خودشان را وکیل آن مالک جا بزنند و به عنوان حق و حقوق مالک پولی را از شهرداری بگیرند. این رقم ها خیلی بالا بود. پرونده هایی که دست من می آمد، بخشی از روند موجود در شهرداری تهران را نشان می داد و من از طریق همین پرونده ها بخشی از روند موجود در شهرداری تهران را کشف کردم. حتی به پرونده هایی برخوردیم

که موضوع پرونده اصلاً واقعیت ندارد، یعنی زمین بوده، اما زمین مالک نداشته و مواردی بود که حتی شهرداری با مالک فرضی معامله کرده بود و پول داده بود و آنها رفته بودند پی کارشان بعد از مدتی، مالک اصلی آمده بود که من پولم را می خواهم ... روند تشکیل پرونده ها مسأله دار بود و من پی بردم که گروه خاصی در شهر، از طریق مناسبات ناسالمی که با بعضی از دستگاه های شهرداری برقرار می کنند از شرایط خاصی استفاده می کنند و برایشان این امکانات فراهم می شود و به ثروت هنگفت دسترسی پیدا می کنند و خیلی هم در این زمینه مقاومت می کردند. حتی مواردی پیش آمد که در انتخابات ریاست جمهوری یکی

متقابلاً از او شکایت کردند. اصغرزاده بیش از هر کدام دیگر از نمایندگان انجمن شهر درباره ناهنجاری های شهرداری سخن گفته است، لذا وقتی خواندیم که شورای شهر با گذراندن مصوبه ای، دسترسی یافتن وی به تعدادی از پرونده ها را غیرممکن کرده است از او وقت دیداری گرفتیم تا بپرسیم او چه می گوید، شهرداری چه می گوید و همکاری اش در شورای شهر چه می گویند.

در یک بعدازظهر دود گرفته دی ماه، در دفتر کار این نماینده پرجوش و خروش شورای شهر با او به گفتگویی نشستیم که به خواندنش می ارزد و خواننده را متوجه می کند شهرش را چه کسانی، بر مبنای چه موازینی و با چه ساز

بین برخی از اعضای شورای شهر تهران با شهرداری کشمکش دور و دراز جریان دارد. تهرانی هایی که از مدیریت گذشته شهرداری، به ویژه از تراکم فروشی آن، دل پرخونی داشتند، امیدوار بودند با تشکیل شورای شهر، یک تازی شهرداری واحدی مهار شود. اما وضع با گذشته فرقی نکرده است و شورای شهر تهران بیش از هر چیز به گود زورخانه ای شبیه است که افراد و جریان هایی در آن به زورآزمایی مشغولند و کاری ندارند که در بیرون گود چه می گذرد.

یک طرف اصلی این زورآزمایی مهندس ابراهیم اصغرزاده است که شهردار را به استیضاح کشاند، و شهردار و همسرش نیز



روایت

مهندس

اصغرزاده

از

بی رسمی های

شهرداری

و

شوراهای

شهر

در واقع، شهرداری را رانت خواران اداره می کنند!

رأی داشته باشد) بنابراین علی‌الظاهر براساس قواعد دمکراتیک ما باید بپذیریم. گرچه من هنوز هم [معتقدم که شهردار الویری] براساس قواعد دمکراتیک در جلسه استیضاح رأی آورده (پنج رأی مثبت، پنج رأی منفی و دو رأی ممتنع و سه رأی غایب) و خیلی ناپلئونی هست ولی طبق قواعد موجود فعلاً شهردار است من این را پذیرفته‌ام اما احساس قلبی من این است که هزینه یک چنین موقعیت کاملاً ناپلئونی را شهر تهران و مردم تهران دارند می‌پردازند. مسأله شخص آقای الویری هم نیست نحوه اداره شهر تهران و نحوه کنترلش احتیاج به یک نگرش کاملاً رادیکال دارد. من در اینجا رادیکال را به مفهوم چپ به کار نمی‌برم، ولی معتقدم اگر شما بخواهید شهر تهران را با دید لیبرال اداره کنید، مشکلات باز هم بیشتر می‌شود.

این دیدگاه لیبرال در حقیقت دیدگاهی است که می‌گوید وقتی صنعت و اقتصاد جواب نمی‌دهد، مردم به جای اینکه بروند در صنعت سرمایه‌گذاری کنند، بروند سرمایه‌گذاری اقتصادی کنند و یا مثلاً سکه بخرند یا پیکان بخرند، یا پژو بخرند، یا ارز بخرند می‌آیند و در ساختمان‌سازی توی شهر سرمایه‌گذاری می‌کنند. از نظر ظاهری حرفی که می‌زنند، منطقی است. می‌گویند بقیه قسمت‌ها جواب نمی‌دهد و سرمایه‌دار ناچار است که



اصغر زاده در گفتگو با «گزارش»

از کسانی که پرونده‌اش زیر دست من بود، آمد و گفت من حاضریم همه امکانات را برایت فراهم کنم، فقط تو پرونده مرا امضا کن! یا مواردی بود که حتی تهدید می‌کردند که مثلاً ما متعلق به فلان ارگان هستیم اگر شما امضا نکنی، فلان می‌کنیم و ...

خب! تقریباً تمامی اعضای شورای شهر هم به این قضایا اعتراف داشتند اما یک روز ناگهان دیدم که به یک بهانه‌ای پیشنهاد دو فوریتی آوردند و مسئولیت مرا در این کمیسیون سلب کردند. در همان جلسه گفتم که بی‌علاقه نیستم دیگر مسئولیتی نداشته باشم، اما این که اراده کسانی که آن امضا را کردند و بعد اراده جمعی که در شورای شهر شکل گرفت واقعاً ناظر بر این بود که دست مرا از این پرونده‌ها کوتاه بکنند، به ضرر قاطع نمی‌توانم بگویم ولی به هر حال نتیجه‌ای که به دنبال مصوبه حاصل شد، این است که به نظر می‌رسد مرا از دستیابی به این پرونده‌ها و این روندها، البته فقط برای زمین شهری، بازداشته است.

در مورد شرکت‌های شهرداری، در مورد ساخت و سازهای غیرمجاز و در مورد نحوه درآمد ناسالم شهرداری دست من به اندازه کافی پر است. مدعی هستم و می‌توانم ثابت کنم که سازمان شهرداری تهران مرهم درد مردم تهران نیست، عامل بخشی از مشکلات شهر تهران است و خودش هم جز مشکلات شهر تهران شده است.

دائماً مجبور شده‌ایم پول زیادی به سازمان شهرداری تزریق بکنیم. دستگاه شهرداری هزینه زیادی را به شهر تحمیل می‌کند که اگر سیاست صرفه‌جویی در آن، مورد توجه قرار بگیرد [متوجه می‌شویم]. فقط چیزی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان در پروژه‌ها حیف و میل شده است.

اتفاق‌های دیگری هم در شهرداری افتاده است که خواهم گفت. آن تیتیر می‌خواست تا ظرافت را نشان بدهد که از این اتفاق‌ها کمابیش در این نهاد‌های دمکراتیک رخ می‌دهد. اما من چون مقید به رأی اکثریت هستم در این نهادها رأی‌گیری به صورت دمکراتیک است (نمی‌گوییم که انگیزه رأی‌دهنده چه بوده است. کافی است که یک مصوبه نصف به اضافه یک

کرده است، پارک بسازیم. باغ در تهران مفهوم خاص خودش را دارد، نمی شود آن را با هیچ پارکی در عوض کرد، ما حق نداریم درخت های باغات را همان طور بی رویه قطع کنیم، بعد به دست یک عده بساز و بفروش بدهیم.

گزارش: آیا اصلاً باغی هم باقی مانده است؟ در تهران که دیگر باغی نمانده است! هرچه بود، در دوره شهردار قبلی از بین رفت. پول گرفتند و اجازه تخریب باغات دوپست- سیصد ساله را دادند. خودتان که بهتر می دانید.

اصغر زاده: بله! متأسفانه همین طور است. اما البته هنوز هم باغ هایی هست. مثل باغ ملک و باغ اناری، باغ هایی هستند که هویت باغ دارند و من تقاضا می کنم از شما که یک چنین فضایی را ایجاد کنید تا این باغات باقی مانده هم از بین نروند. شهر باید نجات پیدا کند. احتیاج داریم به اینکه آدم های هنرمند، آدم های تحصیل کرده، آدم های دلسوز و کسانی که دلشان برای آینده تهران می سوزد، نهادهایی بسازند و در مقابل تخریب باغات مقاومت ایجاد کنند. هنوز باغات زیادی در منطقه باغ فیض، طرشت، مناطق شمالی و مناطق شرقی تهران وجود دارد که متأسفانه مورد تجاوز بی رحمانه قرار گرفته است.

در مورد شهر نباید دیدگاهمان، دیدگاه صرف درآمدزایی باشد و فقط به دنبال این باشیم که شورای شهر بیلان کار بدهد و بگوییم که مادر سال گذشته ۵۰۰ میلیارد تومان درآمد داشتیم و ۵۰۰ میلیارد تومان هم هزینه کردیم. مهم نحوه کیفیت کسب این درآمد و نحوه و هزینه آن است. چگونه هزینه کنیم؟ مردم باید این سؤال را از شورای شهر تهران و شهرداری تهران بکنند. این که هنر نیست یک شب اعلام کنید من از همین لحظه می خواهم ساخت و ساز را در تهران ممنوع کنم. خیلی از مردم شاید الزگوی دست زن خودشان را بفروشند که شاید تراکمی بخرند. این افزایش فروش تراکم، بیلان کار مثبتی برای شهرداری تهران نیست. بنابراین از یک نگرش رادیکال در مدیریت شهری دفاع می کنم و معتقدم به خاطر اینکه باید شهر را حفظ کنیم، نباید آن را به دست بساز و بفروش ها بسپاریم. شهر را بدهیم به دست یک مشت دلال که هرطور

می خواهند از آن استفاده کنند. هر زمینی که می خواهند، بخرند، گودبرداری کنند و هرچه می خواهند بسازند و چقدر هم بفروشند. ما نسبت به تخریب باغات مسؤولیت داریم، نسبت به گودبرداری های غیرمجاز مسؤولیت داریم، نسبت به ساخت و سازهای با کیفیت ضعیف مسؤولیت داریم و این در حالی است که متأسفانه اگر در شهر تهران ضعیف ترین زلزله هم بیاید بارشش دو یاسه تا از این برج ها اتفاقاتی که در اطرافشان می افتد، وحشتناک خواهد بود و این وضع نشان می دهد که در نظام برنامه ریزی شهری مان چقدر تخلف کرده ایم.

متأسفانه اتفاقی که در تهران دارد

شهرداری می خواهد خود مختار

باشد، می خواهد حتی سر به تن طرح

جامع شهر تهران هم نباشد

دست مرا از پرونده های معاملات

بالای صد میلیون تومان کوتاه

کردند، زیرا این پرونده ها مربوط

به املاکی می شود که متعلق به قشر

مرفه است

می افتد، این است که شهرداری تهران، بی ضابطه و بی کنترل چهارنعل می تازد و فضاهای عمومی شهر را می فروشد. این فروش فضا و تراکم- که من آن را تراکم سیاه می نامم- باعث شده تا نظام شهرسازی در تهران، کاملاً فرایندی غیراصولی را طی کند. می گوییم در ایران، نفت باعث شد اقتصاد ما یک منحرف شود. نفت باعث شد تا حکومت از بالا شکل بگیرد یعنی ما یک حکومت در بالا داشته باشیم که نفت را می فروشد و مثل نقل و نبات دلار را از بالا در جامعه تزریق می کند و به همین دلیل هم هرچه سعی می کنیم نظام مالیاتی را اصلاح کنیم، امکان پذیر نمی شود

و مردم، حتی بخش خصوصی ما هم چشم به دست دولت دارند. یعنی وقتی با بخش خصوصی صحبت می کنیم می گوید که ببینیم دولت می خواهد چه کار کند... در جاهای دیگر دنیا این طور نیست. دولت ها نوکر مردم هستند و بخش خصوصی در حقیقت بخشی است که روی پای خودش شکل گرفته و چون دارد به دولت جیره و مواجب می پردازد، دولت را اداره می کند، چون مردم به دولت مالیات می پردازند. نظامشان کاملاً قوام گرفته و دولت خودش را نوکر مردم می داند اما در ایران چنین اتفاق تاریخی نیفتاده و از زمانی که دولت مدرن شکل گرفته چون چاه نفت قباله دولت بوده و هیچ کس هم جرأت نمی کرده که بگوید کار دیگری بکنیم، دولت، دولت رانته شده، دولتی شده که نفت را می فروشد و مملکت را اداره می کند.

[مشابه] این اتفاق متأسفانه در تهران با تراکم فروشی افتاده است، شهرداری تهران چاه نفتی را به نام فروش تراکم کشف کرد. هیچ کس را هم شریک نمی کند. تراکم و فضای عمومی شهر را می فروشد. این فضای عمومی را که جزو مشاعات شهر است، شهرداری به هرکسی که دلش می خواهد می فروشد. بعد که آن آقا می رود و آن ساختمان را می سازد، بقیه دستگاه ها باید بروند تنظیم کنند، کوچه را بزرگ تر کنند، هزینه بدهند، که معبر برایش باز کنند لوله گاز و آب را گسترش بدهد برایش سرانه های آموزشی ببیند. و از این طور کارها. مواردی از برج سازی ها در تهران پیدا کردیم که متأسفانه حداقل ضوابط را هم رعایت نکرده اند. به هر حال، یک بساز و بفروش، یک آدم گردن کلفتی وارد این بازی شده و زمین را خریده و اصلاً هم قواعد را رعایت نکرده و برج را ساخته و براساس اقدامی که کرده عوارضی به شهرداری داده است، شهرداری در این پول شریک شده و این همان رانت شهری است که می گوییم.

شما می بینید زمین های خوب تهران زود به دست افراد بساز و بفروش می افتد، شهرداری هم با دادن مجوز به آنها و چشم پوشی بر روی طرح تفصیلی، و در حقیقت فروش مازاد و تراکم، خودش در این رانت خواری سهیم می شود. این شراکت

است عده‌ای بدبخت و عده‌ای خوشبخت شوند. کشیدن یک مسیر و یا یک اتوبان می‌تواند صاحبان زمین‌های اطراف خودش را به رانت عظیمی برساند و می‌تواند عده‌ای را هم محروم کند بنابراین به همین دلیل شهرداری‌ها، تمامی فضای درون کاری‌شان باید شفاف باشد و مردم به آن دسترسی داشته باشند، اما متأسفانه این پرده پوشی و یا کتمان حقیقت، عادت خیلی از دستگاه‌ها شده است.

یکی از مسائلی که شورای شهر تهران دارد متأسفانه مقاومت و نظارت گریزی است. در حالی که نمایندگان شورای شهر باید قادر باشند گزارش به مردم بدهند. من حتی به عنوان عضو شورای شهر در مورد برخی پرونده‌ها تقاضا کردم، نامه نوشتم و گفتم در اختیار من قرار بدهید که هنوز در اختیار من قرار نداده‌اند.

در جای جای قوانین مربوط به شورای شهر و شهرداری تأکید شده که شهرداری تهران باید ماهیانه صورت مالی درآمد و هزینه خودش را به شورای شهر بدهد و بعد از تصویب شورای شهر این صورت مالی باید به اطلاع عموم رسانیده شود ولی در طول سه سال گذشته هیچ وقت چنین کاری انجام نشده است. حتی در مقابل مصوبات شورای شهر هم مقاومت می‌کنند. به نظر من شفاف‌سازی یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های شورای شهر است. شورای شهر نباید تبدیل به ماشین امضاء شوند.

نگرشی که به اعضای شوراها تحمیل می‌شود، این است که شوراها فقط در محدوده شهرداری‌ها تصمیم بگیرند، در حقیقت شوراها به شوراها شهرداری تبدیل می‌شوند و بعد به گونه‌ای تصمیم بگیرند که شهرداری‌ها آقا بالاسر شوراها می‌شوند. این اتفاق باعث خفه شدن شوراها می‌شود و این شورایی که هنوز متولد نشده اگر سرزا برود مردم از هرگونه بازی دمکراسی و مشارکت طلبانه مأیوس می‌شوند. بنابراین باید به شوراها قدرت و این فرصت را داد که در تصمیم‌گیری‌هایشان مستقل عمل کنند و بعد تصمیم‌گیری‌هایشان برای شهرداری لازم‌الاجرا باشد.

گزارش: سؤال دیگر این است که ما

تهران یک نماینده خودش (آقای اصغرزاده یا هر کس دیگر) را از دسترسی به پرونده‌ها و اسناد محروم می‌کند؟ از شما که پنهان بکنند، از مردم کوچه و بازار چه چیزهایی را پنهان می‌کنند؟ ما با چه شورای شهری مواجه هستیم؟ با شورایی که نماینده مردم و رکن اولیه مردم سالاری است یا با شورایی که ابزار دست رانت‌خواران و قدرت‌خوارها است؟

اصغرزاده: به نکته خوبی اشاره کردید، یعنی در نهادهای مدنی، آن هم نهادی مانند

به دلیل سوء مدیریت، متوسط

زمان اجرای پروژه‌های شهرداری از ۱۳

ماه به ۴۰ ماه و جمع هزینه‌های آنها از

۳۰ میلیارد تومان به ۱۶۰ میلیارد

تومان افزایش یافته است که تاوانش

را باید شهروندان بپردازند

وقتی که فقط فروشگاه‌های

شهروند ۵ میلیارد تومان زیان

انباشته داشته باشد، تکلیف سایر

سازمان‌های وابسته به شهرداری

معلوم است

شورای شهر که مادر نهادهای مدنی است و اصلی‌تری مأموریتش به نظر من شفاف‌سازی است، نباید هیچ‌گونه موضوع و برنامه‌ای دور از چشم شهروندان باشد یعنی برای شهروندان باید اطلاعات قابل دسترسی باشد و شرایطی پیش نیاید که برخی شهروندان به خاطر عدم اطلاع از مقررات و یا تصمیم‌های شهرداری دچار ضرر و زیان بشوند.

می‌دانید که با یک تصمیم‌گیری در شهرداری و شورای شهر و با گذاشتن عنوان یک طرح بر روی بخشی از اراضی شهر ممکن

شهرداری با اهالی و کسانی که زمین دار شهری هستند، باعث شده است که طبقه بسازوبفروش مرفه و رانت‌خواری شکل بگیرد که همان‌ها دارند شهرداری و در واقع، آنها دارند شهر را اداره می‌کنند و ماندن آنها راه افتاده‌ایم که ببینیم آن آقایی که در فلان جا ساختمانی می‌سازد، چگونه تسهیلات دیگری به او بدهیم. همین دلایل موافق مداخله در اقتصاد شهر هستم. اقتصاد شهر، اقتصادی است که باید در آن دخالت کرد و باید برایش کنترل گذاشت و آن را هدایت کرد.

گزارش: با توضیحاتی که دادید، سؤال

مهم‌تری مطرح می‌شود... شهرداری یک نهاد نظامی یا امنیتی نیست. بلکه نهادی است برای مردم و در خدمت مردم به همین دلیل نه تنها شما، بلکه هرکس دیگر باید به پرونده‌ها و اسناد آن دسترسی داشته باشد. این که شورای شهر مصوبه‌ای را بگذارد که نه نظر مردم و نمایندگان افکار عمومی (رسانه‌ها)، بلکه حتی یک عضو خودش را از دسترسی به پرونده‌ها محروم کند، چه معنایی دارد؟ آیا این امر مغایر اصل مردم‌سالاری نیست؟ آیا این محاسبات به درستی انجام شده است یا نه؟ اصغرزاده: دقیقاً همین‌طور است. اصلاً فرق عرصه عمومی با عرصه قدرت همین است. شهرداری در عرصه عمومی است یعنی چون پول مستقیم مردم است، تمامی قراردادهای پروژه‌ها و... نباید از چشم مردم نماینده‌هایشان، که نماینده واقعی‌شان مطبوعات هستند، دور بمانند.

گزارش: حتی مردم... حال اجازه بدهید

نقبنی بزنیم به یک پرسش اساسی‌تر... شورای شهر ملموس‌ترین نماد حرکت دوم خرداد است که به عنوان حرکت اصلاح‌طلبی نام گرفت و یکی از شعارهای این حرکت شفافیت و شفاف‌سازی بود. اجازه بدهید تکلیف خودمان را از این بابت بدانیم که آیا شورای شهر به واقع نماینده منافع واقعی مردم هست یا نیست؟ به چه مناسبت و بر مبنای کدام اصل از شرح وظایف شورا در قانون شوراها، متن قانون اساسی راجع به شوراها و تعریف‌هایی که از شورای شهر وجود دارد، شورای شهر

نمی بینیم مسایل ریشه ای این شهر در شورای شهر بررسی شود. ما بیشتر شاهد مجادلات بیهوده و جبهه گیری های خسته کننده بوده ایم، در حالی که روزی که مردم به نامزدهای عضویت در شوراهای شهر رأی می دادند، امیدوار بودند این شوراها چشم و گوش آنها باشند. مردم که از نحوه اداره شهرداری ناراضی بودند به شورا امیدها بسته بودند. حالا شما منصفانه بگویید شورا در این چند سال چه خدمتی به مردم کرده است؟ حق نیست عده ای به این باور رسیده باشند که شوراها نه تنها قاتق نانشان نشده اند، بلکه بلای جانیشان هم شده اند؟ اگر قرار باشد باز هم پول و قدرت در شهرداری حرف اول را بزند (که از گفته های شما چنین بر می آید) وجود شوراها چه توجیحی دارد؟

اصغر زاده: فکر می کنم سؤال شما در خودش جواب بسیار بسیار عمیقی داشت و حکایت از این می کند بخشی از رسانه های کشور چقدر با مسایل آشنا و چقدر عمیق هستند. این که شهر باید چگونه باشد، من هم مثل شما معتقد هستم که غیر از پول و قدرت، نظر مردم و مقاومت آنها ضلع سوم مثلثی است که شهرداری می سازد. یعنی فقط پول سرمایه دار و یا ثروت افراد یک شهر نیست که بخواهند ساخت و ساز بکنند، شهرا بسازند و اداره کنند. این هم تنها نیست، که دولت تصمیم بگیرد، بخشنامه بدهد، مردم باید بخواهند که کاری صورت بگیرد یا نه. شوراها هم نماینده این ضلع سوم هستند، نماینده آن دو ضلع نیستند، شوراها نمی توانند به خاطر اینکه سرمایه دار یا دولت خوش بیاید، کارهایی بکنند و مصوباتی را بگذارند که این دو ضلع دارند. شوراها نماینده مردم هستند. این که چرا این اتفاق نمی افتد و شوراها گاهی نماینده واقعی و سخنگوی مردم نمی شوند، ممکن است نظام انتخاباتی ما ایراد داشته باشد یا اعضای شوراها دستشان بسته باشد و سازمان لازم را در دست نداشتن باشد، گاهی ممکن است تهدید و یا ارباب شوند و تحت فشار قرار بگیرند. واقعاً در مورد اتفاقی که در شهر تهران و شهرهای دیگر دارد رخ می دهد و انتظاری که شما دارید به نمایندگی از مردم که شورای

شهر جدی تر برخورد کند، خود من خجالت زده ام.

در اردیبهشت امسال ما یک نشست داشتیم و آن باید به عنوان منشوری برای نحوه اداره شهر تهران تنظیم می شد. دعوت کردیم از دولت و وزرای محترم، از شهردار و معاونین شهردار دعوت کردیم که بیایند کنار دست شورای شهر بنشینند که این منشور چیست، نشان به آن نشان که یک وزیر پایش را در این سالن گذاشت. آقای شهردار اصلاً نیامد. تنها چند تن از معاونان ایشان به دلیل دوستی با اعضای شورای شهر آمدند! و ما می گفتیم که به لحاظ علمی باید شهر را بشناسیم و طرح چهارچوبی برایش تهیه کنیم که همه به آن وفادار باشیم. همه فرار می کردند به خاطر اینکه مدیریت شهری، نانش در فرار از مقررات و عبور از ضوابط است. اگر براساس ضوابط و معیارها حرکت کند که رانت تولید نمی شود.

گزارش: یعنی شهرداری خودمختاری می خواهد؟

اصغر زاده: دقیقاً، شهرداری خودمختاری می خواهد و این در زمان آقای هاشمی رفسنجانی هم وقتی آقای کرباسچی شهردار تهران شد، به وجود آمد. در حقیقت این استراتژی طراحی شد، حال ما چون نماینده شورای شهر هستیم، نمی توانیم اجازه دهیم که به اسم خودکفایی یا به هر اسم دیگر، شهرداری خودش عمل کند.

اما شهرداری تهران، حتی نسبت به طرح جامع و طرح تفصیلی هم عنایت ندارد، یعنی دلش می خواهد اصلاً طرح جامعی در کار نباشد تا دستش باز باشد که هر جا می خواهد کاری را تغییر دهد، هر جا می خواهد اجازه ساخت و ساز بدهد و ... برای اینکه درآمد داشته باشد. بگذارید به مورد دیگری اشاره کنم ... چندی پیش مصوبه ای گذراندیم برای اینکه شرکت ها و سازمان های شهرداری حدود هشتاد مؤسسه، شرکت و سازمان را حسابرسی عملیاتی و مالی می کنیم تا تخلف شان معلوم شود. بعد به این نتیجه رسیدیم که برخی از این ها مأموریتشان هیچ ربطی به شهر تهران ندارد. فلان کشت و صنعت در فلان استان، فلان کارخانه کفش در فلان استان، پرورش ماهی در فلان استان، این

چیزهایی نبود که شهرداری تهران باید آن را داشته باشد. آمدیم گفتیم سازمان ها و شرکت هایی را که مأموریت هایشان منطبق بر مأموریت شهرداری تهران نیست حذف و شرکت های زیان ده را اصلاح کنیم (مثل فروشگاه های شهروند که حدود ۵ میلیارد تومان زیان انباشه دارد) آنهایی هم که اساساً ایراد دارد باید اصلاح شود. هفت، هشت ماه از این کار ما می گذرد، اطلاعاتی را هم که از شهرداری خواستیم تلاش کردیم به دست بیاوریم اما دائماً مقاومت ایجاد می کنند.

در مورد تخلفات و ایراداتی که در فروشگاه شهروند هست، گزارش هایی که بازرسان قانونی به ما دادند نشان می دهد که بارها در زمینه های مختلف در آن تخلف صورت گرفته است. همین اخیراً مورد خاصی بود که یک فرد خریدی می کند و چک می دهد تازه چک شرکت خودش را هم نمی دهد، چک برادرش را می دهد. صد هاتلویزیون از آنجا خارج می شود. در فروشگاه شهروند جلال آل احمد مقدار مشابهی اجناس را می خورد. چیزی حدود ۲۵۰ میلیون تومان خرید می کند و فقط یک برگ چک می دهد. من می گویم این شرکت ها متعلق به مردم است، به هر حال شرکت های شهرداری باید فلسفه و اسنامه درستی داشته باشند.

در هر حال، وقتی شورای شهر نتواند از حقوق مردم دفاع، ساختار درآمدی شهرداری را اصلاح و هزینه ها را کنترل کند، وضعی پیش می آید که اکنون با آن مواجهیم. ما الان در شهرداری تهران تعدادی پروژه های عمومی داریم از پروژه نواب بگیرد تا زیرگذر رسالت و ده ها پروژه دیگر (پروژه برج میلاد، بزرگراه ها و ..) اکنون بعضی از این پروژه ها متوقف است. وقتی پیمان های پنجاه و شش پروژه بزرگی را که شهرداری تهران در دست دارد، دیدیم، متوجه شدیم به طور متوسط طول عمر پروژه ۱۳ ماه است و سرمایه اولیه هم که برای اینها پیش بینی شده، چیزی حدود سی میلیارد تومان بود، الان که من اینجا هستم، طول عمر اینها به طور متوسط شده است ۴۰ ماه و ما باید تعدیل کنیم و دائم پول توی آنها تزریق کنیم. تا حالا چیزی حدود ۱۶۰ میلیارد تومان یعنی پنج برابر پول داده ایم ... بعد را هم خدا می داند!